

*

چکیده

با توجه به اهمیت رفاه اجتماعی و ارتباط آن با توزیع درآمد و فقر، در این مطالعه با محاسبه شاخصهای گوناگون در زمینه رفاه اجتماعی و توزیع درآمد و فقر برای خانوارهای روستایی و شهری استانهای فارس و اصفهان و سمنان سعی شده است مقایسه‌ای بین نقاط روستایی و شهری این چند استان صورت گیرد. داده‌های اولیه این پژوهش، اطلاعات جمع‌آوری شده در قالب طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۹ بوده است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که توزیع ناعادلانه درآمد و شکاف فقر در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری است. همچنین سطح رفاه خانوارهای روستایی هر استان در مقایسه با مناطق شهری همان استان پایینتر است که در صورت بی‌توجهی به این مسئله، پیامدهای آن موجب افزایش

* به ترتیب: دانشجوی کارشناسی ارشد و استادیار گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه شیراز
e-mail: mhtarazkar@yahoo.com e-mail: zibaei@shirazu.ac.ir

شکاف بین شهر و روستا و افزایش مهاجرت روستاییان و کاهش تولیدات کشاورزی و به دنبال آن، افزایش وابستگی کشور به واردات می‌شود.

کلید واژه‌ها:

رفاه اجتماعی، توزیع درآمد، فقر

مقدمه

در کشورهای توسعه یافته یکی از هدفهای مهم سیاستگذاران اقتصادی ارتقای کیفیت زندگی و سطح رفاه اجتماعی در جامعه است. در کشورهای در حال توسعه نیز فقط رشد اقتصادی هدف تلقی نمی‌شود، بلکه این کشورها همگام با کشورهای توسعه یافته افزایش رفاه اجتماعی را هم یکی از هدفهای اصلی و از معیارهای توسعه یافتگی در نظر می‌گیرند (موسی خانی، ۱۳۷۸).

از آنجا که میزان رفاه اجتماعی خانواده‌ها به میزان درآمد آنها نیز بستگی دارد و توزیع مناسب درآمد باعث افزایش سطح رفاه اجتماعی در کل جامعه و برای اکثریت خانواده‌ها می‌شود، لذا توزیع عادلانه درآمد یکی از اهداف مهم برنامه‌های توسعه کشورها به شمار می‌آید. از طرفی افزایش نابرابری در یک جامعه، علاوه بر کاهش بهره‌وری نیروی کار، موجب کاهش تقاضای محصولات داخلی و کاهش اعتماد مردم به مسئولان اقتصادی نیز می‌شود، ضمن اینکه افزایش نابرابری از جمله عوامل اصلی ناآرامیها در اکثر کشورها بوده است.

هر چند توزیع درآمد و فقر رابطه قطعی و مشخصی با یکدیگر ندارند (هادی زنوز، ۱۳۷۹)، بدین معنی که توزیع نامناسب درآمد به معنی وجود فقر نیست و برعکس، توزیع مناسب درآمد به معنای نبود فقر نیست. مسئله فقر را نمی‌توان جدا از توزیع درآمد بررسی کرد و در واقع توزیع درآمد نشاندهنده ابعاد فقر نسبی در جامعه است.

در زمینه رفاه اجتماعی مطالعات متعددی در کشورهای مختلف انجام گرفته است؛ از جمله اینکه رام شاخص سن را به منظور بررسی تأثیر دو متغیر درآمد و نحوه توزیع آن در این شاخص برای

...

دو گروه از کشورها، از جمله ایران، محاسبه کرد. نتایج مطالعه وی حکایت از همبستگی شدید این شاخص با درآمد برای هر دو گروه از کشورها دارد (Ram, 1992). گوپتا نیز با استفاده از شاخص سن، تأثیر ورود سرمایه در رفاه اجتماعی را بررسی کرد. نتایج مطالعه وی تأیید کننده رابطه منفی بین رفاه اجتماعی و ورود سرمایه خارجی است (Gupta, 1994). هشام و وانگ نیز عوامل مؤثر بر رفاه اجتماعی جوامع شهری را بررسی کردند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که رفاه اجتماعی رابطه مثبت با بهره‌وری کارگران و رابطه منفی با هزینه‌ها دارد (Hesham & Wang, 1997).

هر چند مطالعات متعددی در زمینه رفاه اجتماعی در خارج از کشور صورت پذیرفته است، تعداد مطالعات انجام شده درباره رفاه اجتماعی در ایران بسیار محدود است (پژویان، ۱۳۷۵) که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نیلی علاوه بر بررسی رابطه متقابل رشد اقتصادی و توزیع درآمد، وضعیت رفاهی کشور را با استفاده از شاخص سن، برای دوره ۱۳۶۱-۷۲ بررسی کرد. نتایج مطالعه وی حاکی از آن است که اقتصاد کشور از نظر رفاهی بهترین وضعیت را در سال ۱۳۶۲ و بدترین وضعیت را در سال ۱۳۶۷ تجربه کرده است. این محقق دلیل کاهش شدید سطح رفاه اجتماعی را طی دوره مورد بررسی، حساسیت شدید شاخص سن به درآمد سرانه می‌داند (نیلی، ۱۳۷۵).

موسی‌خانی وضعیت رفاه اجتماعی و روند تغییرات آن را برای خانوارهای مختلف طی دوره ۱۳۶۳-۷۶ بررسی کرد. در این مطالعه اثر افزایش قیمت‌ها بر رفاه نیز ارزیابی شد. نتایج این مطالعه نشان داد که شاخصهای رفاه از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۸ افزایش ناچیزی داشته، ولی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ بالاترین درصد افزایش را پیدا کرده است. همچنین از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۶، به دلیل افزایش بیش از حد قیمت‌ها، مقادیر واقعی رفاه کاهش یافته است.

با توجه به اهمیت و ارتباط مسئله رفاه اجتماعی و توزیع درآمد و فقر، در این مطالعه با محاسبه شاخصهای گوناگون برای خانوارهای روستایی و شهری استانهای فارس و اصفهان و سمنان سعی شده است مقایسه‌ای بین این چند استان صورت گیرد. نتایج این تحقیق را می‌توان در شناسایی میزان و ماهیت فقر و توزیع ناعادلانه درآمد و رفاه اجتماعی مفید دانست.

روش تحقیق

هر چند مسئله رفاه اجتماعی در ایران به طور مشخص از سال ۱۳۴۷ در برنامه چهارم عمرانی مطرح گردیده، فقط در چند مورد خاص از فرمولهای محاسباتی برای اندازه گیری رفاه استفاده شده است (موسی خانی، ۱۳۷۸). با توجه به کاستیهای موجود در این زمینه، در مطالعه حاضر مسئله رفاه اجتماعی و توزیع درآمد و فقر به صورت کمی برای خانوارهای روستایی و شهری استانهای مورد مطالعه محاسبه و تجزیه و تحلیل شد.

به منظور ارزیابی ناپارامتریک به دو ابزار اساسی نیاز است: یکی اطلاعات خام و دیگری بسته نرم افزاری مناسب. داده‌های این پژوهش اطلاعات جمع آوری شده در قالب طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۹ بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و محاسبه شاخصها نیز از بسته نرم افزاری DAD استفاده شده است.

به علت اینکه اطلاعات مورد استفاده بر اساس واحد خانوار جمع آوری شده بود و تعیین میزان درآمد و هزینه بعضی از اعضای خانوار (کودکان، زنان خانه دار یا سالخوردگان) به سهولت میسر نبود و همچنین احتمال اینکه برخی از اعضای خانوار وابسته به منابع مالی دیگری باشند، از خانوار به عنوان واحد تحلیل استفاده شد.

در پژوهش حاضر، مانند اکثر مطالعاتی که در این زمینه در ایران و کشورهای مختلف انجام پذیرفته است، به جای درآمد، هزینه خانوار مبنای بررسی قرار گرفت، چرا که در آمارگیری بودجه خانوار هزینه خانوارها بر حسب اقلام ریز محاسبه می‌شود. در حالی که درآمد خانوار علاوه بر اینکه به صورت کلی و بر حسب چند منبع عمده درآمد پرسیده می‌شود، معمولاً کمتر از میزان واقعی گزارش می‌گردد و در نتیجه، اعتبارپذیری کمتری دارد.

برای کاهش خطا و افزایش اعتبار مطالعه حاضر، با استفاده از رهیافت تحلیل خوشه‌ای، استانهای کشور از نظر هزینه به گروههای همگن تقسیم شدند. برای این منظور از هر استان ۲۰ خانوار روستایی به طور تصادفی انتخاب شدند و میانگین هزینه کل خانوار و میانگین هزینه غیر خوراکی و میانگین هزینه خوراکی و درآمد خانوارهای نمونه از داده‌های هزینه و درآمد خانوار سال ۱۳۷۹

...

استخراج گردید. سپس به کمک بسته نرم افزاری SPSS و با توجه به متوسط کل مخارج، استانهای مختلف به ۲ تا ۵ گروه تقسیم شدند. با توجه به تعداد استانهای موجود در هر گروه و معیندار شدن سایر متغیرها (هزینه‌های خوراکی و هزینه‌های غیر خوراکی و درآمد خانوار)، در نهایت استانهای کشور به سه گروه تقسیم شدند که از این سه گروه استانهای فارس و اصفهان و سمنان به صورت تصادفی انتخاب شدند.

نظر به اینکه خانوارهایی که مرکز آمار ایران به عنوان خانوارهای نمونه انتخاب کرده است به لحاظ آماری در سطح استان بهینه هستند، در این مطالعه دقیقاً از همان نمونه‌های مرکز آمار ایران استفاده شد. تعداد خانوارهای روستایی، به عنوان واحدهای مورد مطالعه، در استان فارس و اصفهان و سمنان به ترتیب ۶۱۸، ۴۹۳، ۴۹۴ واحد و تعداد خانوارهای شهری نیز ۴۶۸، ۶۹۷، ۳۸۹ واحد می‌باشند.

توزیع درآمد

توزیع درآمد از مباحث مهم پژوهشهای اقتصاددانان و اندیشمندان علوم اجتماعی است. هدف اصلی این نوع پژوهشها ارائه شاخصها و معیارهایی است که بر اساس آنها بتوان میزان نابرابری توزیع درآمد بین افراد جامعه را اندازه گیری کرد. در این مطالعه نیز با توجه به اهمیت توزیع منطقه‌ای^۱ درآمد در زمینه عدالت اجتماعی و میزان کارایی (ارسلان بد، ۱۳۸۳)، توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی استانهای مورد مطالعه به صورت کمی اندازه گیری شد.

ضریب جینی^۲

بدون شک می توان گفت که در بررسیهای توزیع درآمد، ضریب جینی متداولترین شاخص نابرابری درآمدی است. ضریب جینی عبارت است از: نسبت اندازه نابرابری توزیع درآمد به حداکثر اندازه نابرابری درآمدی ممکن در یک توزیع درآمد کاملاً نابرابر (ابوالفتحی قمی، ۱۳۷۱). جینی در سال ۱۹۱۲ ضریبی را از مجموع قدر مطلق تفاوت بین کلیه جفت درآمدها به حداکثر اندازه ممکن

1. regional distribution

2 Gini coefficient

این تفاوت به دست آورد که بعدها ضریب جینی نامیده شد. این ضریب به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$G = \left[\frac{1}{2n^2\mu} \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^n |x_i - x_j| \right] \quad (1)$$

که در آن G ضریب جینی، n تعداد خانوار، x_i درآمد (هزینه) خانوار i ام، x_j درآمد (هزینه) خانوار j ام و μ متوسط درآمد (هزینه) جامعه است. دامنه تغییرات این شاخص بین صفر (توزیع کاملاً برابر) و یک (توزیع کاملاً نابرابر) در نوسان است. لذا مقدار بزرگتر این ضریب نشان‌دهنده توزیع ناعادلانه‌تر درآمد در جامعه است.

شاخص تایل^۱

شاخص تایل بر اساس مفهوم آنتروپی، در نظریه اطلاعات^۲ پیشنهاد شده است و عبارت می‌باشد از: تفاوت آنتروپی توزیع درآمد مورد بررسی با آنتروپی توزیع درآمد کاملاً برابر. این شاخص از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$T = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \left[\frac{x_i}{\mu} \log \frac{x_i}{\mu} \right] \quad (2)$$

در رابطه ۲ شاخص تایل، n تعداد خانوار، x_i درآمد (هزینه) خانوار i ام، μ متوسط درآمد (هزینه) جامعه است. اندازه شاخص تایل از صفر (برابری کامل توزیع درآمد) تا $\text{Log}n$ (نابرابری کامل توزیع درآمد) تغییر می‌کند. با توجه به اینکه تعداد خانوارهای شهری و روستایی مورد مطالعه در هر استان متفاوت بودند، لذا به منظور مقایسه این شاخص در بین استانهای مختلف و در بین مناطق شهری و روستایی هر استان، از شاخص تعدیل شده تایل (T')، که مستقل از جمعیت است، استفاده شد. این شاخص از طریق تقسیم شاخص تایل بر $\text{Log}n$ ($T' = \frac{T}{\text{Log}n}$) محاسبه می‌شود. شاخص تعدیل شده تایل امکان مقایسه الگوهای توزیع درآمد در جامعه‌هایی با تعداد افراد متفاوت را فراهم می‌سازد (ابوالفتحی قمی، ۱۳۷۱).

1. Theil index

۲. نظریه اطلاعات می‌گوید که هرچه درصد اطلاعاتی که یک گزاره خبری درباره یک واقعه می‌دهد بیشتر باشد، احتمال وقوع آن حادثه کمتر است و برعکس (موسی خانی، ۱۳۷۸).

...

شاخص آتکینسون^۱:

ضریب جینی و شاخص تایل بدون توجه به رجحانهای جامعه و تابع رفاه فردی و تابع رفاه اجتماعی، بر مبنای اندازه‌گیری میزان پراکندگی درآمد افراد جامعه، به تجزیه و تحلیل توزیع درآمد می‌پردازند. با این حال آتکینسون بر این باور بوده است که تعیین خصوصیات و شکل تابع رفاه اجتماعی امکان اندازه‌گیری نابرابری درآمد را میسر می‌کند و در یک جامعه مفروض، شاخص اقتصادی نابرابری درآمد مناسب باید متکی بر نظام رجحانهای افراد آن جامعه باشد. این شاخص با اندازه‌گیری میزان کاهش رفاه اجتماعی حاصل از توزیع نامتعادل درآمد بین افراد جامعه، میزان نابرابری درآمد را برآورد می‌کند. آتکینسون شاخص خود را به صورت زیر تعریف می‌کند (Atkinson, 1969):

$$A = 1 - \frac{X_{EDE}}{\mu} \quad (3)$$

که در آن A شاخص آتکینسون، X_{EDE} معادل درآمد توزیع متعادل و μ متوسط درآمد (هزینه) جامعه است. اندازه این شاخص در حالت برابری کامل توزیع درآمد مساوی صفر است، ولی در حالت نابرابری کامل لزوماً برابر یک نخواهد بود. لذا هرچه مقدار این شاخص بیشتر باشد، توزیع درآمد ناعادلانه‌تر خواهد بود.

رفاه اجتماعی

رفاه عبارت است از: قدرت خرید و توانایی در کسب تسهیلات و امکانات زندگی. اما به منظور کمی و محاسبه پذیرش، رفاه را مترادف با بهره‌مندی یا مطلوبیت در نظر می‌گیرند (فیتزپتریک، ۱۳۸۱). بر این اساس، رفاه اجتماعی، که در قالب تابع رفاه اجتماعی^۲ نمایش داده می‌شود، برابر با مجموعه رفاه افراد جامعه خواهد بود. یکی از توابع معروف در این زمینه، تابع رفاه اجتماعی سن است (موسی خانی، ۱۳۷۸). این تابع نیز همانند اکثر توابع موجود، به صورت تابعی از

1. Atkinson index
2. social welfare

مطلوبیتهای افراد جامعه است که در آن میزان رفاه ($S(X)$) تابعی از مطلوبیت برای هر فرد (x_i) متعلق به جامعه (x) است:

$$S(X) : S(u(x_1), u(x_2), \dots, u(x_n)) \quad (4)$$

که در آن n تعداد افراد جامعه است. با فرض یکسان بودن تابع مطلوبیت کلیه افراد جامعه، رابطه ۴ را می‌توان به صورت رابطه ۵ نشان داد. به این ترتیب تابع رفاه اجتماعی برابر با مجموع مطلوبیتهای افراد جامعه خواهد بود:

$$S(X) = \int_1^n u(x) dx \quad (5)$$

سن شاخص رفاه اجتماعی خود را به شکلی دیگر نیز نشان داده است (رابطه ۶):

$$S(X) = \sum_{i=1}^n x_i v_i(x) \quad (6)$$

که در آن x_i در آمد فرد i ام و $v_i(x)$ وزنی است که x_i به خود می‌گیرد. وی با فرض برابری وزنی^۱ و یکنواختی مستقل^۲ و اطلاعات رتبه‌ای^۳ شاخص خود را به صورت رابطه ۷ نشان می‌دهد:

$$S = \mu(1 - G) \quad (7)$$

که در آن S شاخص سن و G ضریب جینی و μ میانگین درآمد است. ضریب جینی در تابع رفاه اجتماعی نقش تأثیرات اندازه نابرابری در جامعه را بر رفاه اجتماعی اندازه‌گیری کند. در بعضی از مطالعات به جای ضریب جینی از سایر شاخصهای نابرابری از جمله شاخص تایل استفاده شده است (موسی خانی، ۱۳۷۸). شاخص رفاه اجتماعی سن با استفاده از شاخص نابرابری تایل به صورت زیر است:

$$S(X) = \frac{1}{n \cdot \ln(n)} \cdot \sum_{i=1}^n x_i \ln \frac{n\mu}{x_i} \quad (8)$$

در هر حال، شاخص سن یکی از بهترین ابزارهای اندازه‌گیری رفاه بوده که در بسیاری از مطالعات مرتبط به کار رفته است (Ram, 1992).

-
1. weighting equity
 2. independent monotonicity
 3. ordinal information

...

با وجود مهم بودن بررسی وضعیت رفاهی خانوارها، این بررسیها را می‌توان یاری رسان سیاستهای اقتصادی دانست. در این باره، به جز چند تحقیق، تقریباً هیچ کار مدون و مشخصی در ایران صورت نگرفته است (پژویان، ۱۳۷۵). لذا در مطالعه حاضر رفاه اجتماعی در ایران با استفاده از شاخص سن بر اساس ضریب جینی و شاخص تایل، به صورت کمی محاسبه شد.

فقر

برای فقر نیز مانند هر مقوله دیگر، تعریفهای متعددی وجود دارد که در همه آنها بر نوعی محرومیت از امکانات متعارف زندگی تأکید شده است (رنانی و مه‌آبادی، ۱۳۷۹). اما بسته به تعریفی که برای فقر مطرح می‌شود، دو جنبه مطلق و نسبی آن قابل بررسی است. فقر مطلق^۱ مبتنی بر جداسازی فقرا از سایر افراد جامعه بر اساس مقدار درآمدی است که با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی جامعه مورد بررسی برای تأمین احتیاجات اولیه زندگی افراد لازم است و تأمین نشدن آن توسط هر فرد، وی را به طبقه فقیر منتقل می‌سازد. اما فقر نسبی^۲ بر اساس درجه ارضای نیازهای فرد نسبت به دیگر افراد جامعه تعریف می‌شود و لذا هر چه توزیع درآمد در جامعه ناعادلانه تر باشد، شکاف بیشتری بین اقشار کم درآمد و سایر افراد به وجود می‌آید و تعداد بیشتری از افراد در قشر فقیر قرار می‌گیرند (عابدی، ۱۳۸۱).

برای تفکیک افراد فقیر از سایر افراد جامعه معمولاً از خط فقر استفاده می‌شود و در بحث اندازه گیری آن، دو روش خط فقر مطلق و خط فقر نسبی به کار می‌رود. در روش خط فقر نسبی نصف درآمد (هزینه) خانوار را خط فقر در نظر می‌گیرند. این روش دو مشکل اساسی دارد؛ اولاً این خط فقر بیشتر ناظر بر توزیع درآمد است تا مفهوم فقر و نداری و ثانیاً در این روش در هر زمان و در هر سطح تولید و درآمد سرانه عده ای زیر خط فقر قرار خواهند داشت.

خط فقر معیاری ساده برای بررسی فقر است، ولی کامل و مناسب نیست. سن بر این باور است که یک شاخص خوب باید بتواند به تعداد افراد فقیر و شدت و نحوه توزیع درآمد بین فقرا حساسیت داشته باشد و به این منظور باید از شاخصهای ترکیبی استفاده کرد (Sen, 1976).

-
1. absolute poverty
 2. relative poverty

برای محاسبه خط فقر مطلق حداقل لوازم معاش شناسایی می‌گردد و بر اساس آن مقدار پولی که احتیاجات اولیه را برآورد کند، محاسبه می‌شود. ولی چون شناسایی احتیاجات اولیه بسیار مشکل و این نیازها برای جوامع و فرهنگهای مختلف متغیر است، از روش خط فقر کالری به عنوان جایگزین استفاده می‌شود. مزیت اصلی خط فقر مطلق، ثابت بودن ارزش آن در طول زمان است (طیبیان، ۱۳۷۸). در بسیاری موارد بهتر است که از خط فقری استفاده شود که در کشور ترسیم شده و تا کنون مورد استفاده قرار گرفته است (جزایری، ۱۳۷۳). لذا در مطالعه اخیر از خط فقر محاسبه شده سازمان مدیریت و برنامه ریزی برای سال ۱۳۷۹، استفاده شد. مقدار خط فقر مطلق برای خانوارهای روستایی ۴۷۸۷۴۰ ریال (در ماه) و برای خانوارهای شهری ۷۰۸۵۳۰ ریال (در ماه) در نظر گرفته شد.

شاخص فقر آمار تیا سن

شاخص سن یکی از معیارهایی است که در بررسیهای متعدد برای خلاصه کردن وضعیت فقر در جمعیت مورد استفاده قرار گرفته است (عابدی، ۱۳۸۱). این شاخص (S) در برگیرنده نسبت جمعیت فقرا (h) و درجه فقر ($\Delta K'$) و نسبتی از سطح فقر و توزیع درآمد فقر (GP)، است که معادله آن به صورت زیر نشان داده می‌شود:

$$S = h[\Delta K' + (1 - \Delta K')GP] \quad (9)$$

$\Delta K'$ عبارت است از:

$$\Delta K' = \frac{\Delta K}{Z} = \left[\sum_{i=1}^n (Z - m) \right] / nz$$

که در آن m درآمد i امین خانوار زیر خط فقر و Z خط فقر است.

شاخص FGT^۱

در سالهای اخیر شاخص FGT کاربرد زیادی پیدا کرده است. این شاخص را فاستر، گریر و توربک در سال ۱۹۸۴ پیشنهاد کردند. این شاخص نشان می‌دهد که فقر حاصل از بررسی

1. Foster- Greer- Thorbecke

...

زیرگروه‌های مختلف جمعیت را می‌توان با هم جمع کرد و به میزان واحدی از فقر کلی جمعیت دست یافت.

فرمول اصلی محاسبه این شاخص چنین است:

$$F(a) = \frac{1}{n} \sum (g_i / Z)^a \quad a \geq 0 \quad (10)$$

در این شاخص، فقر اساساً تابعی از شکاف فقر تلقی می‌شود که به توان a رسانده شده است. مقدار a خود پارامتری است که از علاقه محقق به عمق فقر یا تفاوت خط فقر با متوسط درآمد افراد فقیر حکایت می‌کند. در فرمول ۱۰، g_i شکاف فقر هر فرد و Z خط فقر است. هر گاه $a = 0$ باشد نسبت اشخاص دارای درآمد زیر خط فقر را به کل افراد جامعه خواهیم داشت. هر گاه $a = 1$ باشد نتیجه فرمول همان شکاف درآمدی را به دست می‌دهد که با تعداد افراد جامعه تعدیل شده است.

اما اگر a بیشتر از یک باشد، حساسیت بیشتری به عمق فقر داده می‌شود. در این حالت شاخص فوق براساس تفاوت درآمد فرد یا خانوار فقیر از خط فقر تعیین می‌شود و بیشترین وزن متوجه خانوارهایی می‌گردد که از خط فقر فاصله زیادتری دارند. از این تحلیل برای تمرکز بر فقیرترین فقرا استفاده می‌شود (عرب مازار و حسینی نژاد، ۱۳۸۳).

نتیجه و بحث

با توجه به روابط ۱ تا ۳، ضرایب توزیع درآمد (ضریب جینی و شاخص آتکینسون و شاخص تایل) برای سه استان منتخب به تفکیک شهری و روستایی بر اساس اطلاعات خام طرح هزینه و درآمد خانوار سال ۳۷۹ و با استفاده از نرم‌افزار DAD محاسبه شدند که نتایج آنها در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. ضرایب توزیع درآمد به تفکیک مناطق شهری و روستایی

شرح	شهری			روستایی		
	ضریب جینی	شاخص آتکینسون	شاخص تایل (T')	ضریب جینی	شاخص آتکینسون	شاخص تایل (T')
فارس	۰/۳۳	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۳۵	۰/۱۰	۰/۰۸
اصفهان	۰/۳۶	۰/۱۱	۰/۰۸	۰/۳۷	۰/۱۱	۰/۰۹
سمنان	۰/۲۹	۰/۰۷	۰/۰۵	۰/۳۸	۰/۱۱	۰/۱۰

منبع: یافته های تحقیق

با مقایسه ضرایب محاسبه شده در جدول ۱، به دلیل بیشتر بودن این ضرایب در مناطق روستایی از مناطق شهری هر استان، می توان به وجود توزیع ناعادلانه درآمد در نقاط روستایی هر سه استان نسبت به نقاط شهری آنها پی برد.

همچنین در میان سه استان منتخب، بیشترین مقدار مربوط به ضریب جینی (توزیع نسبتاً ناعادلانه) و کمترین مقدار (توزیع نسبتاً عادلانه) به ترتیب مربوط به خانوارهای روستایی و شهری استان سمنان است که نشاندهنده تفاوت توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری این استان می باشد (نمودار ۱). البته سایر شاخصها نیز تأیید کننده این واقعیت هستند؛ چرا که بیشترین و کمترین مقدار شاخص تایل و آتکینسون نیز مربوط به خانوارهای روستایی و شهری استان سمنان است. رفاه اجتماعی بر اساس شاخص سن، با استفاده از روابط ۷ و ۸ محاسبه شد. نتایج این محاسبات با بهره گیری از دو شاخص توزیع درآمد ضریب جینی و شاخص آتکینسون، که قبلاً برآورد شده بود، به همراه میانگین درآمد در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. رفاه اجتماعی به تفکیک مناطق شهری و روستایی

شرح	شهری			روستایی		
	میانگن درآمد خانوار (ریال)	شاخص رفاه سن (جینی)	شاخص رفاه سن (تایل)	میانگن درآمد خانوار (ریال)	شاخص رفاه سن (جینی)	شاخص رفاه سن (تایل)
فارس	۱۶۴۱۱۳۸	۱۰۹۵۶۲	۱۱۴۸۷۹	۱۱۷۵۳۷۵	۷۶۳۹۹۴	۹۴۰۳۰
اصفهان	۱۴۱۴۲۹۳	۹۰۵۱۴۷	۱۱۳۱۴۳	۹۷۲۸۲۶	۶۱۲۸۸۰	۸۷۵۵۴
سمنان	۱۰۵۳۹۷۰	۷۴۸۳۱۹	۵۲۶۹۸	۷۵۱۱۵۷	۴۷۳۲۲۹	۷۵۱۱۵

منبع: یافته های تحقیق

...

از آنجا که رفاه تحت تأثیر دو عامل نابرابری درآمد و متوسط درآمد است، تفاوت رفاه در مناطق شهری و روستایی هر استان ناشی از این دو عامل است؛ چرا که در مناطق روستایی متوسط درآمد (هزینه) کمتر و توزیع درآمد (هزینه) نیز در مقایسه با مناطق شهری ناعادلانه‌تر است، در نتیجه، رفاه اجتماعی در مناطق روستایی هر استان، بر اساس هر دو شاخص، کمتر از مناطق شهری همان استان است (نمودار ۲).

نتایج برآوردها نشان می‌دهد که خانوارهای روستایی استان فارس دارای توزیع ناعادلانه‌تری در درآمدی در مقایسه با خانوارهای شهری استان سمنانند (نمودار ۱)، ولی رفاه خانوارهای روستایی در این استان، با توجه به هر دو شاخص محاسبه شده، بیشتر از خانوارهای شهری استان سمنان است (نمودار ۲).

منبع: یافته‌های تحقیق

نمودار ۱. ضریب جینی

منبع: یافته‌های تحقیق

نمودار ۲. شاخص رفاه اجتماعی سن

علت مطلب پیشگفته را می‌توان به وجود همبستگی زیاد رفاه اجتماعی و متوسط درآمد (در صورتی که ضریب جینی کمتر از ۰/۵ باشد) نسبت داد؛ چرا که متوسط درآمد خانوارهای روستایی استان فارس، به دلیل شکوفایی بخش کشاورزی در این استان، بیشتر از درآمد خانوارهای شهری استان سمنان است. نتایج محاسبه فقر براساس روابط ۹ و ۱۰، در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳. برآورد شاخصهای فقر براساس خط فقر مطلق به تفکیک مناطق شهری و روستایی

شرح	شهری			روستایی			
	FGT (a=2)	FGT (a=1)	FGT (a=0)	شاخص فقر سن	FGT (a=2)	FGT (a=1)	FGT (a=0)
فارس	۰/۰۴۳	۰/۰۲۱	۰/۰۶۲	۰/۰۶۲	۰/۰۴۳	۰/۰۲۱	۰/۰۶۰
اصفهان	۰/۰۷۹	۰/۰۴۰	۰/۰۱۱۰	۰/۰۱۱۰	۰/۰۷۹	۰/۰۴۰	۰/۰۳۱
سمنان	۰/۰۸۴	۰/۰۳۹	۰/۰۱۱۸	۰/۰۱۱۸	۰/۰۸۴	۰/۰۳۹	۰/۰۱۸

منبع: یافته های تحقیق

هنگامی که مقدار a در شاخص FGT برابر صفر باشد، این شاخص نشاندهنده خانوارهای دارای درآمد زیر خط فقر به کل خانوارهای جامعه است. در این حالت شاخص FGT برابر با شاخص سرانه^۱ می شود. با توجه به ستونهای دوم و ششم جدول ۳، در استانهای فارس و اصفهان و سمنان به ترتیب ۱/۴۱، ۲۳/۴ و ۲۷/۴ درصد خانوارهای شهری و ۱۳/۶ و ۲۲/۷ و ۳۷ درصد خانوارهای روستایی درآمدی کمتر از خط فقر مطلق دارند.

در استانهای فارس و اصفهان تفاوت چندانی میان درصد خانوارهای فقیر روستایی و شهری وجود ندارد، ولی در استان سمنان درصد خانوارهای زیر خط فقر در مناطق روستایی به مراتب بیشتر از مناطق شهری این استان است.

ستونهای سوم و هفتم جدول ۳ نشاندهنده شدت و عمق فقرند. شدت فقر، که با مساوی یک قرار دادن a در شاخص FGT به دست می آید، فاصله درآمدها (هزینه ها) را از خط فقر نشان می دهد. با توجه به نتایج محاسبات جدول ۳، هر چند شکاف فقر در نقاط شهری و روستایی استان فارس تقریباً برابر است، در سایر استانها شکاف فقر در نقاط روستایی بیشتر از مناطق شهری است. همچنین در میان استانهای مختلف، خانوارهای روستایی و شهری استان سمنان بیشترین شکاف فقر را نسبت به سایر استانها دارند.

در ستونهای چهارم و هشتم جدول ۳ با بیشتر از یک (مساوی دو) قرار دادن a در حقیقت حساسیت بیشتری به عمق فقر داده شده است. نتایج به دست آمده تأیید کننده حالت قبل ($a=1$) و

1. headcount ratio

...

نشاندهنده آن است که شکاف فقر در مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری بیشتر است. البته استان فارس از این امر مستثنی است، زیرا بخش کشاورزی فعال و شکوفایی دارد و لذا مقدار شکاف فقر در آن (در مناطق روستایی) به مراتب کمتر از سایر استانها و در مناطق روستایی، برابر مناطق شهری است.

دیگر شاخص به کار رفته در این مطالعه شاخص فقر سن بوده است. نتایج استفاده از این شاخص نیز تأیید کننده وجود شکاف فقر روستایی بیشتر نسبت به مناطق شهری هر استان است. البته این شاخص نیز نشان داد که شکاف فقر در مناطق روستایی استان فارس کمتر از مناطق شهری آن است.

پیشنهادها

با توجه به وابستگی رفاه اجتماعی به درآمد و نحوه توزیع آن، اجرای هرگونه سیاستی که باعث افزایش درآمد و بهبود نحوه توزیع آن شود، نقش مؤثری در افزایش رفاه اجتماعی خواهد داشت. در این باره سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و دیگر بخشهای تأمین کننده مواد غذایی، اصلاح نظام مالیاتی، تجدید نظر در نظام تأمین اجتماعی، هدفمند کردن رایانه‌ها، گسترش فعالیت‌های تعاونیها، اجرای سیاستهای مؤثر بر بهبود توزیع درآمد مانند اصلاح مالکیت اراضی و صنعتی و سرمایه را می‌توان در افزایش رفاه اجتماعی مؤثر دانست. البته اجرای توأم سیاستهای باز توزیعی و افزایش درآمدی هم ممکن است مؤثرتر باشند.

نتایج این مطالعه حکایت از تفاوت معنی‌دار در رفاه اجتماعی و فقر و توزیع درآمد در استانهای مختلف و همچنین مناطق روستایی و شهری هر استان دارد. لذا پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزی‌های مورد نظر به صورت منطقه‌ای انجام پذیرد.

مجموع مطالب فوق بر این موضوع تأکید دارد که با اجرای یک سیاست یا برنامه و یا یک اقدام ضربتی نمی‌توان رفاه اجتماعی برقرار کرد و یا فقر و توزیع ناعادلانه درآمد را از بین برد، بلکه باید از مجموعه‌ای از تدابیر و سیاستهای کوتاهمدت و درازمدت در زمینه‌های گوناگون استفاده کرد. عدم برنامه‌ریزی در این زمینه و بی‌توجهی به سه مقوله رفاه و فقر و توزیع درآمد موجب افزایش

شکاف بین شهر و روستا و همچنین افزایش مهاجرت روستاییان و کاهش تولیدات کشاورزی و به دنبال آن افزایش وابستگی کشور به واردات می شود.

منابع

۱. ابوالفتحی قمی، ابوالفضل (۱۳۷۱)، درآمدی بر شناخت شاخص های نابرابری درآمدی و فقر، مرکز آمار ایران.
۲. ارسلان‌بد، محمد رضا (۱۳۸۳)، تغییرات توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری ایران، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۴۵، ص ۱۴۱ تا ۱۶۲.
۳. پژوهشگران، جمشید (۱۳۷۵)، فقر؛ خط فقر و کاهش فقر، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، سازمان برنامه و بودجه.
۴. جزایری، ادريس (۱۳۷۳)، مجموعه مقالات فقر و روستا، ترجمه ابراهیم زاهدی عبقری و زهره کسای، وزارت کشاورزی، مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، تهران.
۵. رنانی، محسن و مریم مه آبادی (۱۳۷۹)، تأثیر نابرابری و فقر بر کارایی سیاست‌های کلان اقتصادی، مجموعه مقالات فقر در ایران، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی تهران، ص ۱۸۹ تا ۲۰۹.
۶. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، گزارش اجمالی برنامه مبارزه با فقر و افزایش درآمد خانوارهای کم درآمد، مهر ماه ۱۳۷۹.
۷. طبیبیان، محمد (۱۳۷۸)، اقتصاد ایران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه، ایران، ۱۳۷۸.
۸. عابدی، علی (۱۳۸۱)، اندازه گیری و تحلیل خط فقر و توزیع درآمد در استان آذربایجان شرقی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان آذربایجان شرقی.

...

۹. عرب مازار، عباس و سید مرتضی حسینی نژاد (۱۳۸۳)، برآورد میزان فقر و شدت آن در گروههای مختلف شغلی خانوارهای روستایی ایران، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال دوازدهم، شماره ۴۵، ص ۱۱۳ تا ۱۴۰.

۱۰. فتحی پور، غلامرضا و حسین کاشفی امیری (۱۳۸۰)، تحولات سطح رفاه و تعیین خط فقر در استان همدان، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، فروردین ۱۳۸۰.

۱۱. فیتزپتریک، تونی (۱۳۸۱)، نظریه رفاه، ترجمه هرمز همایون پور، نشر گام نو، تهران.

۱۲. مرکز آمار ایران (۱۳۸۰)، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی سال ۱۳۷۹، تهران.

۱۳. موسی خانی، غلامرضا (۱۳۷۸)، تجزیه و تحلیل رفاه اجتماعی در ایران و اثرپذیری آن از نابرابری درآمدی، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد، دانشگاه شیراز.

۱۴. نیلی، فرهاد (۱۳۷۵)، رشد اقتصادی، توزیع درآمد و رفاه اجتماعی در سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۱، *مجله برنامه و بودجه*، شماره اول، ص ۴۷ تا ۶۲.

۱۵. هادی زوز، بهروز (۱۳۷۹)، ارتباط فقر و نابرابری با سیاستهای اقتصادی دولت، مجموعه مقالات فقر در ایران، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی تهران، ص ۱۲۷ تا ۱۵۵.

16. Atkinson, A. B. (1969), On the measurement of inequality, *Journal of Economic Theory*, No. 2, 244-263.

17. Gupta, R. (1994), Foreign capital, income inequality and welfare in Harris Todaro Model. *Journal of Development Economics*, Vol. 45, 407-414.

18. Hesham, A. R. and P. Wang (1997), Social welfare and income inequality in a system of city, *Journal of Urban Economic*, Vol. 41, 462-483.

19.Ram, R. (1992), Income, distribution, and welfare: An inter country comparison, *Economic Development and Cultural Change*, 41(1), 141-1456.

20.Sen, A. (1976), Poverty: An ordinal approach to measurement, *Econometrica*, No. 2, Vol.44, 219-231.

21.Sen, A. (1977), On weights & measures: Information constraints in social welfare analysis, *Econometrica*, No.7, 1539-1572.

